



۸۸ روز تا بازی های جام ملت های آسیا



از ناگویا تا نینگبو؛ شاگردان سلیمی در تعقیب بزرگان وزنه برداری جهان

نبرد آهنین برای طلا

بهبشتی، مدعی مدال آوری یانوان



از تعویق بازی های لیگ تا ابهام در زمان اردو؛ همه چیز در هاله ای از تردید

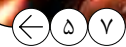
قطار یوزها روی ریل بلاتکلیفی



استقلال در قطر و تراکتور در عمان جنگجویان آسیا



آبی ها در اندیشه شکار الغرافه ➡ سرخپوشان به دنبال جبران شکست



چرا اختلاف ها در فوتبال ایران به سختی به پایان می رسند؟

جشنواره

شکایت های بی پایان

باختر: آسانی بازیکن جدید نیست



مشکلات سربازی، مانع خروج بازیکنان تیم ملی می شود

پنج ستاره ملی پوش مشمول خدمت!



مهدی رجبزاده در انتظار هفته های سرنوشت ساز

بازگشت به خانه در روزهای سخت



محمودی و صادقی گزینه های سوم و چهارم هستند

دلسوزی بی فایده تارتار برای دو جوان



درخواست باشگاه استقلال از سازمان لیگ

جام حذفی با ۸ تیم دوره قبل برگزار شود



سرمقاله

باغی های آن روزگار

مجیدسلطانی خبرنگار

بهر روز رهبری فرد در آخرین مصاحبه اش درباره انتقال مهدی هاشمی نسب به استقلال گفت. اینکه چگونه علی فتح الله زاده به محض اخراج هاشمی نسب از پرسپولیس، شماره ۸ قرمزها را آبی کرد.

رهبری فرد درباره این انتقال گفت. از رقم قرارداد و هوش بالای مدیرعامل وقت استقلال؛ اما هرگز درباره دلیل انتقال نگفت. هاشمی نسب عدد بسیار خوبی برای آبی پوش شدن گرفت؛ اما هرگز تا پیش از آن (زمانی که محبوب قرمزها بود) درباره پول بیشتر و قرارداد چشمگیر حرفی نزد.

هاشمی نسب تا آخرین روزی که پیراهن قرمز بر تنش بود، یک پرسپولیسی ماند. نه مصاحبه ای نه گلایه ای درباره بی پولی. مهدی بچه آبادان بود. متعلق به قشری که بهتر از همه معنای سختی و مبارزه را می دانست. او یاد گرفته بود دلش را طوری تربیت کند که هر چه دید، نخواهد. یاد گرفته بود مثل مانده های زمینی آندره ژید باشد. «عظمت در نگاهش باشد نه در آنچه به چشمش می آید.» اما در کنار همه اینها یاد گرفته بود برای ماندن التماس نکند. او تا آخرین روز برای ماندن تلاش کرد؛ اما زمانی که وقت رفتن شد، برای ماندن التماس نکرد.

فرق مهدی هاشمی نسب با خیلی از بازیکنان دیروز و امروز، دقیقاً همین است. او از کودکی آموخته بود که پا روی دلش بگذارد و این کار را کرد.

از آن روز ۲۶ سال می گذرد. در این سال ها هر وقت اسم دربی می آید همه به یاد مهدی هاشمی نسب می افتند. یک باغی شش دانگ که اصول یاغیگری را هم خوب می دانست و می داد. بازیکنان امروز که تا پولشان یک روز عقب می افتد، جلوی دوربین قرار می گیرند، باید بیاموزند که اگر هم قرار است باغی باشند، آدایش را پیاده کنند. بداند حتی یاغیگری هم اصول و چهارچوب دارد. حتی در یاغیگری هم باید مرام و معرفت داشته باشی. آنها باید بداند فوتبال خیلی مهم تر از افرادی است که امروز هستند و فردا نه.

هاشمی نسب در این سال ها انگشت اتهام را به سوی ۲ نفر گرفت که نامی از آنها نبرد؛ اما همه آدرس ها را برای شناسایی شان داد ولی هیچ گاه آبروی فوتبال را نبرد. اجازه نداد احدی، شان فوتبال را لگدمال کند. فوتبال آن روزهای ما با امروز تفاوت داشت. جذاب بود و به دل می نشست چون باغی هایش هم خیلی با امروز فرق داشتند. خیلی.